

سلطه ابنیه بر طبیعت در ساختار باغ مقبره‌های هند

مریم اکبریان

کارشناس ارشد معماری منظر
akbarian.maryam@gmail.com

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی "تأثیر متقابل هنر ایران و هند" و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۱ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

چکیده

باغ یکی از شاخص‌ترین فضاهای منظرین است که نحوه ارتباط طبیعت و محیط مصنوع در آن می‌تواند تعریف‌کننده نظام فضایی و ساختاری منظر شود. بستر هند با توجه به ویژگی‌های خاص طبیعی-اقلیمی و کثرت کم‌نظیر آیینی-اعتقادی که در جامعه انسانی آن وجود دارد، تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر نظام و ساختار باغسازای ایرانی گذارده است. مطالعه و طبقه‌بندی بخشی از این تأثیرات که به بیان نحوه تعامل طبیعت و قسمت‌های مصنوع باغ مقبره‌های هندی با تأکید بر ابنیه آن می‌پردازد، هدف اصلی نگارش این مقاله بوده است. باغ ایرانی محلی است برای حضور غالب طبیعت و نمود این حضور در فضای باغ، ادراک حداکثری عناصر طبیعی منظر است. در صورتی که در باغسازای هندی، هندسه حاکم بر ابنیه بر کل فضای باغ و محوطه طبیعی آن تسلط پیدا می‌کند و امتداد محوربندی و دید بصری ابنیه اصلی باغ را در تمام محوطه به خوبی می‌توان دریافت کرد؛ به بیان دیگر در باغ هندی به بنا و قسمت مصنوع بیش از طبیعت پرداخته شده است. افزایش قابل ملاحظه مساحت و حجم بنای مقبره نسبت به باغ پیرامونی در قیاس با نمونه‌های ایرانی، بالابردن ارتفاع بنا به صورت مصنوعی با ایجاد صفا مرتفع، تأکید بر المان‌های عمودی همچون قوس‌های بلند و مناره‌ها در معماری بنا و داشتن حصار کارشده و مزین به طاق‌نما از جمله دلایلی است که در اثبات فرضیه ارائه می‌شوند. باغسازای هندی برخلاف نمونه ایرانی آن، منتج از یک رویکرد انسان‌محور و ساخت‌گراست که سازندگان آن به دنبال نمایش مفهومی انسان ساخت از باغ در مقابل نگرش طبیعت‌گرایانه به آن هستند که چرایی این بحث و ریشه‌های آن در موضوع نوشتار حاضر نمی‌گنجد.

واژگان کلیدی

باغ مقبره‌های گورکانی، بنای مقابر، جوهره منظر، سلطه بر طبیعت، زمینه‌گرایی.

مقدمه

شما را بیش از همه تحت تأثیر قرار می‌دهد فضای طبیعی و دید عمیق محصور در طبیعت است. خیابان اصلی باغ ایرانی محل اتصال به طبیعت و حضور انسان در طبیعت است (منصوری، ۱۳۸۴). این در حالی است که در باغ مقبره‌های هند در همان لحظه ورود آنچه بر منظر مقابل بیننده غالب بوده، عظمت بنای موجود در آن و منظر نامحدود و وسیعی است که با مرکزیت این بنا وجود دارد. طبیعت در این پرسپکتیو نقش پس‌زمینه آن بنای عظیم را بازی می‌کند و تمام جزئیات و متعلقات طبیعی محوطه در جهت عظمت‌بخشی و تأکید بر بنا به کار گرفته شده‌اند (تصویر ۱).

سرزمین مسطح هند

باغ‌های شاهی و فرم باغسازی در دوره گورکانی اغلب در پلان از یک نظام خاص سه‌بخشی تبعیت می‌کند که هر بخش با استفاده از شیب اراضی احداث باغ نسبت به سطح قبلی در ارتفاعی بالاتر قرار دارد. این ویژگی علاوه بر مزایایی که در نحوه به کارگیری آب و ساماندهی فضایی باغ داشته در حقیقت به دلیل تسلط نمادین بالاترین مرتبه باغ که محل استقرار خاندان سلطنتی بوده است با اهداف سلطه‌جویانه اشرافیت بیشتر منطبق بوده است. "می‌توان حدس زد که پایین‌ترین تخت، با در بزرگ روبه شهرش مخصوص مردم بوده است. در تخت میانی چادر سلطنتی را برپا می‌کردند که به بارعام اختصاص داشته و بالاترین تخت مخصوص حرم شاه بوده است" (فقیه و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۹). در هند شیب‌های ملایم، برای ساختن باغ‌های پلکانی و جاری کردن آب در نهرها به طور طبیعی مایه زحمت بابر می‌شود (همان). در سرزمین مسطح هند عدم امکان بهره‌گیری از شیب طبیعی زمین موجب می‌شود با قراردادن بنای مقبره داخل باغ بر روی صفه این هدف تأمین شود. استفاده از صفه‌هایی که ارتفاع بسیار بلندی دارند، بنا را بر محوطه کم‌درخت و مسطح اطراف آن در حدی مسلط می‌کند که از تمام چهارگوشه محوطه باغ، بنای مقبره مهم‌ترین عنصر در چشم‌انداز فضا خواهد بود.

معماری فاخر، آینه قدرتمندی شاهان

بیان قدرت بانیان، به ویژه پادشاهان و افراد ذی‌نفوذ جامعه، همواره یکی از کارکردهای معماری بوده است. گورکانیان به عنوان یک سلسله تازه‌وارد با دین جدید به سرزمین متنوع هند، کاملاً به توانایی و تأثیر معماری برای اثبات قدرتشان و گسترش حوزه نفوذ خود آگاهی داشتند. بهره‌گیری از شکوه معماری برای اثبات قدرت، حقیقتی است که «اکبرشاه» به اندازه لویی چهاردهم به آن نیازمند است (گراب و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۸). به نظر می‌رسد این حقیقت و الزام، پس از شکست «همایون» از «شیرشاه» سوری و اجبار به پناهندگی ۱۵ ساله وی به دربار شاه‌طهماسب صفوی پرنگ‌تر می‌شود و الزام ساخت مقابر باشکوه برای سلاطین

گورکانیان هند^۱ نوادگان خلف تیمور بودند و همچون او اشتیاق زیادی به طبیعت و هنر باغسازی داشتند (Richards, 1993). «بابرشاه»، مؤسس سلسله گورکانیان هند (۱۵۳۰-۱۴۸۳ م.) به تأسیس باغ‌های متعددی در کابل و دیگر شهرهای افغانستان اقدام کرد و این شیوه تا زمان «اورنگ‌زیب»، ادامه یافت. اوج این باغسازی‌ها در دوره «شاه‌جهان» بود و از زمان اورنگ‌زیب به دلیل عدم علاقه و افول قدرت پادشاهان این سلسله، رفته‌رفته از میزان آن کاسته شد. سبک باغسازی دوره گورکانی در شبه قاره اگرچه ریشه در ویژگی‌های باغ ایرانی داشت، اما بنا به اقتضانات زمینه اجتماعی و دوره تاریخی شکل‌گیری آن، آنچنان تغییر یافت که به جرأت می‌توان آن را سبکی مستقل و با نمود منظرین ویژه خود قلمداد کرد. "باغ محصول تعامل ذهن و زندگی انسان در محیط طبیعی است" (منصوری، ۱۳۸۴)، لذا نحوه تعامل قسمت‌های انسان‌ساخت و چگونگی مداخلات انسانی در طبیعت و عناصر طبیعی و میزان غلبه هریک بر دیگری، نظام فضایی و جوهره نمود منظرین باغ را تعریف می‌کند. در باغسازی دوره گورکانی، متأثر از بستر اقلیمی و اجتماعی هند و نیز سلیقه و منش اشرافی سلاطین مسلمان این دوره، گونه‌ای از باغ مقبره‌ها شکل می‌گیرد که تسلط به طبیعت و غلبه عناصر مصنوع و خصوصاً بناهای اصلی آنها بر محیط طبیعی به روشنی درک می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

- چه نسبتی میان باغ (با تأکید بر بخش‌های طبیعی آن) و بنای اصلی در باغ‌های ایرانی هند وجود دارد؟
- دلایل عظمت‌گرایی و بزرگی بناهای واقع در باغ‌های هند را باید در چه زمینه‌ها و اهدافی جستجو کرد؟

فرضیه

در باغ مقبره‌های هند، پرداختن به ابنیه باغ نسبت به بخش‌های طبیعی آن در اولویت قرار دارد. در این روند ساختار باغ به گونه‌ای طراحی می‌شود که سایر عناصر باغ جهت تأکید بر اهمیت بنای اصلی (مقبره) به عنوان مهم‌ترین قسمت باغ بکار روند.

ادراک اولیه از منظر باغ مقبره‌ها

ورود به باغ مقبره‌ها در امتداد محوری خاص صورت می‌گیرد و این موجب تعریف پرسپکتیو دید ناظر در بدو ورود و تأثیر عمیق بر دریافت اولیه وی از منظر باغ می‌شود. در باغ ایرانی نیز پدیده‌ای مشابه در خیابان اصلی باغ اتفاق می‌افتد. تفاوت عمده این دو گونه در نحوه تعامل سازنده با طبیعت و چگونگی حضور طبیعت در منظر است. هنگامی که از جاده اصلی باغ ایرانی وارد می‌شوید طبیعت و حس حضور در آن بر بیننده غالب است و آنچه



تصویر ۱. بنای تاج محل در شهر آگرا از مشهورترین باغمقبره‌های دوره گورکانی هند است که تسلط بنا و هندسه آن بر زمینه طبیعی اطراف به خوبی قابل مشاهده است. آگرا، عکس: مریم اکبریان، ۱۳۹۱.

منظر باغمقبره‌های این دوره می‌شود. نظم حاکم بر معماری بنا و محورهای اصلی آن و تقارن موجود در مجموعه در تمام محوطه گسترش پیدا می‌کند و هندسه بنا کاملاً غالب بر اسلوب گیاه‌آرایی باغ است (تصویر ۲). "رفته‌رفته حضور گیاهان کمتر و کمتر می‌شود تا جایی که در اواخر قرن شانزدهم باغ مغولی خلاصه می‌شود به سلسله‌ای از کاخ‌ها با هیبت مرمرین" (فقیه و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۹). طبیعت در پرسپکتیوی که از باغمقبره گورکانی دیده می‌شود نقش پس‌زمینه بنای عظیم آن را بازی می‌کند و تمام جزئیات و متعلقات طبیعی محوطه از درختان گرفته تا گل‌های فصلی و جوی‌های آب در جهت عظمت‌بخشی و تأکید بر بنا به کار گرفته شده‌اند. "در ساختمان باغ‌های مغولی گرچه نظم هندسی چهار باغ را می‌توان بازیافت، اما به تدریج بناها و محوطه‌سازی‌ها جایگاه مهم‌تری را به نسبت گیاهان اشغال می‌کنند" (همان).

مصالح بومی در تضاد با طبیعت باغ

ایجاد یک بنا در نقطه‌ای معین از باغ در مقیاس‌ها و سبک‌های مختلف تحت عنوان کوشک در باغ ایرانی نیز وجود دارد ولی

ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. مقبره همایون در دهلی که پس از مرگ وی به دست پسر و همسرش ساخته می‌شود از بهترین نمونه‌های باغمقبره‌سازی دوره گورکانیان هند به شمار می‌رود. "هدف از ایجاد این بناهای مجلل، بیشتر نمایش قدرت است تا ایجاد مکانی بهشتی برای لذت بردن از مواهب طبیعت" (فقیه و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۹). در بیانی دیگر باغ‌های دوره گورکانی محل برگزاری جشن‌ها و آیین‌های مرتبط با زندگی شاهان و خاندان سلطنتی بوده است؛ مراسم تولد، ازدواج، تاج‌گذاری و تشییع جنازه همگی در فضای این کاخ‌باغ‌ها جریان می‌یافتند و به این جهت فضاسازی این مکان‌ها منطبق با شکوه این مراسم و جلال و قدرت‌نمایی مورد نظر شاهان انجام می‌شده است (Wescoat & Wolschke-Bulmahn, 1996).

طراحی کاشت و عظمت‌بخشی به مقبره

پوشش گیاهی تُنک و به شدت منظم که عاری از درختکاری‌های انبوه است و بهره‌گیری از درختانی که تحت تأثیر ذوق هندی بیشتر جنبه تزئینی دارند، موجب تسلط یافتن هرچه بیشتر بنا بر

مسلمان گورکانی با ساخت ابنیه عظیم و چشمگیر سعی در نمایش هرچه بیشتر آن داشته‌اند. بناها و مقابری که اکنون با بهره‌گیری از قوس‌ها، طاق‌های ضربی و گنبدهای خوش‌تناسب در کنار مناره‌های عظیم از ارتباط و اتصال بصری بیشتری در اجزای خود برخوردار است در محوطه باغ‌ها به نحوی مکان‌یابی و ساماندهی می‌شود که هرچه بیشتر در نظر آید و محوطه همچون قابی آنها را در برگیرد و زیباتر نماید.

نظم در بی‌نظمی

به نظر می‌رسد ایده اولیه «بابر» برای نظم‌دادن به سرزمین هند نه تنها در میان نوادگانش به میراث گذاشته شد که با گذشت زمان نیز رو به فزونی نهاد. «بابر» با ورود به سرزمین متکثر و خاص هند از تنوع نامنظم موجود در آن و اقلیمی که دیگر به مطبوعیت اقلیم کابل و آسیای مرکزی نبوده اظهار گلایه می‌کند: "بدین سان در این هند ناخوشایند و بی‌نظم، باغ‌های منظم و قرینه هم پدیدار شدند" (Thackston, 2002). از این‌رو

ماهیت دورنگ (منصوری، ۱۳۸۴) باغ ایرانی و کوشک‌های آن موجب می‌شود بنای کوشک از حیث جنس و رنگ مصالح در انطباق با طبیعت اطرافش قرار گیرد. در باغ‌مقبره‌های گورکانی بهره‌گیری از مصالح خاص بومی چون مرمر سفید و سنگ قرمز و ایجاد ترکیب‌هایی از آنها موجب تضاد هرچه بیشتر بنا با طبیعت اطراف می‌شود. همچنین مقبره را به یک نقطه سنگین و متمرکزکننده دید در منظر باغ با تسلط کامل به طبیعت تبدیل می‌کند (تصویر ۳).

سبک معماری اسلامی - هندویی

با ورود مسلمانان به شبه قاره هند سنت معماری هندویی با خطوط مستقیم، طاق‌های مسطح و ستون‌هایی با سطح مقطع مربع از یک سو و معماری اسلامی با طاق‌های قوسی و ستون‌های مدور و مبتنی بر خطوط منحنی از سوی دیگر با یکدیگر تلاقی کردند و سبک معماری بومی هند را از حیث زیبایی‌شناسی به مرتبه بالاتری ارتقا داد. این دستاورد مهم چیزی است که سلاطین

تصویر ۲. پوشش گیاهی تُنک و استفاده از درختان به صورت تک‌کاشت در کنار اراضی وسیع چمن و گیاهان پوششی بنای عظیم مقابر و ساختمان‌های دیگر، مجموعه را از تمام جهات در کانون دید مخاطب و مسلط به منظر او قرار می‌دهد. باغ مقبره همایون، دهلی. عکس: مریم اکبریان، ۱۳۹۱.



به دست می‌آورد و این رویکرد در دوره شاه‌جهان به اوج می‌رسد؛ رویکردی که در باغسازی نیای وی «بابر» در کابل به وضوح قابل مشاهده است.

قوانین مالکیت زمین

یکی از دلایل ساخت ابنیه باشکوه و عظیم در مقابر شاهی دوره گورکانی به نحوه تملک زمین در این دوره بازمی‌گردد. در زمان قدرت گورکانیان هریک از امرا و قدرتمندان و نزدیکان خاندان سلطنتی می‌توانستند برای خود باغی شخصی و مطابق سلیقه و مکتب خود فراهم کنند ولی پس از مرگ آنها آن باغ و املاک به شاه واگذار می‌شد تا هیچ‌یک از افراد خاندان سلطنتی و یا اغنیای جامعه تمایلی به احداث بناهای پرخرج در باغات خود نداشته باشند و تنها مقابر شاهی است که در اوج عظمت و با صرف هزینه‌های گزاف ساخته می‌شده است.

تلاش برای ساماندهی و نظم‌بخشی به این جامعه و طبیعت وحشی و بی‌نظم، آنچنان مطبوع طبع می‌شود که جوهره فضایی باغ‌های هند در این دوره را شکل می‌دهد. در حقیقت پادشاهان این سلسله با نظم و شکوهی که در نظام فضایی و طراحی باغ‌ها و کاخ‌ها لحاظ می‌کرده‌اند درصدد نمایش قدرت و میزان تسلط خود بر منظر آشفته و پرهیاهوی جامعه هند بوده‌اند (Wescoat & Wolschke-Bulmahn, 1996). هنر باغسازی اسلامی همواره محصول عوامل آب‌وهوایی متأثر از تنوع منطقه‌ای قابل ملاحظه و مفاهیم کیهان‌شناختی با برخورداری از مشابهت‌هایی درون خود است (گراب و دیگران، ۱۳۸۰). تأثیر بستر هند برگزینش رویکرد غالب بر طبیعت و نمود ساخت‌گرا در باغ‌ها آنجا واضح‌تر می‌شود که با آغاز قرن ۱۶ و فتح سرزمین خوش‌اقلیم کشمیر به دست اکبرشاه، طبیعت رفته‌رفته جایگاه اصلی و پررنگ خود را در منظر باغ‌ها

تصویر ۳. یکی از شاخص‌ترین باغ‌مقبره‌های دوره گورکانی، باغ‌مقبره همایون در دهلی است. مصالح به کاررفته در ساختمان‌های این مجموعه، مکان‌یابی آنها بر محورهای اصلی باغ و محوطه تنگ پیرامونی از مهم‌ترین عواملی است که بنای مقبره را مسلط به منظر مجموعه کرده است. باغ‌مقبره همایون، دهلی. عکس: مریم اکبریان، ۱۳۹۱.



نتیجه‌گیری

جوهره منظر باغ‌مقبره‌های هند در دوره قدرت گورکانیان با رویکرد تسلط بر طبیعت، ساخت‌گرایی و اهمیت‌دادن به قسمت‌های مصنوع باغ و به طور خاص ساختمان مقابر شکل گرفته است. سلطه ابنیه بر طبیعت به دلایل متعددی چون نظام فضایی باغ در محور ورودی، ساخت بناها بر صفه‌های مرتفع، تمایل به قدرت‌نمایی سلاطین، طرح کاشت تُنک و کم‌ارتفاع، مصالح متمایز از محیط طبیعی، سبک معماری تلفیقی خاص این دوره، نظم موجود در تضاد فضای باغ‌ها با طبیعت و بستر نامنظم هند و قوانین خاص تملک اراضی در باغ‌مقبره‌های هندی دوره گورکانی مشهود است. این نگرش در مهار و به خدمت‌گیری طبیعت در ساخت می‌تواند شمایی قدرت‌مندان و منکوب‌کننده به منظر این مقابر در دل باغ‌های اطراف آنها ببخشد که با سلطه‌جویی و قدرت‌نمایی پادشاهان مغولی در انطباق است. از مباحث مطروحه می‌توان نتیجه گرفت زمینه‌گرایی و تأثیرپذیری از ویژگی‌های اقلیمی، تاریخی و اجتماعی هند موجب شکل‌گیری رویکرد غالب بر طبیعت در ساماندهی فضایی باغ‌مقبره‌های گورکانی شده است.

پی‌نوشت

۱. Mughal Empire : (۱۸۵۷-۱۵۲۶م).
۲. ششمین پادشاه سلسله گورکانیان (۱۷۰۷-۱۶۱۸م).
۳. از پادشاهان سلسله گورکانیان (۱۶۶۶-۱۵۹۲م).
۴. از پادشاهان سلسله گورکانیان (۱۶۰۵-۱۵۴۲م).
۵. از پادشاهان سلسله گورکانیان (۱۵۵۶-۱۵۰۸م).

فهرست منابع

- گراب، ارنست و دیگران. (۱۳۸۰). *معماری جهان اسلام؛ تاریخ و مفهوم اجتماعی آن*. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- فقیه، نسرین و دیگران. (۱۳۸۳). *باغ ایرانی؛ حکمت کهن، منظر جدید*. تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۸۴). درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی. *مجله باغ نظر*، ۱ (۳): ۶۳-۵۸.
- Wescoat, J.L. & Wolschke-Bulmahn, J. (1996). *Mughal gardens: sources, places, representations and prospects*. Washington, D.C: Harvard University.
- Richards, J.F. (1993). *The Mughal Empire*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Thackston, W.M. (2002). *The Baburnama: Memoirs of Babur, Prince and Emperor (Modern Library Classics)*. New York: The Modern Library.